

محمد حسین تسبیحی

پاکستان

## صنایع لفظی امیر خسرو

امیر خسرو در کلیه آثار منظوم و منثور خود به صنایع لفظی و معنوی توجه خاص داشته است. علاوه بر اینکه همه صنایع را که پیش از او وضع شده بود در آثار خود به کار برده بلکه تعدادی زیاد صنعت نیز خودش اختراع و ابداع و وضع کرد و عملاً در نشر و نظم خویشتن به کار برد. وی همه جا در آثارش مصراً می گوید که مخترع و مبدع صنایعی است که پیش از او کسی اختراع نکرد و اگر کرد در يك جمله و يك بيت بیش نبود.

خسرو با صنایعی که وضع و ابداع نمود، غزلها و قصاید و قطعه‌ها و نامه‌ها (رقعه‌ها) ی منثور و منظوم سرود و نوشت و به پادشاهان و حاکمان زمان خود فرستاد و در مقابلشان انشاد کرد تا باطل صلح علوم انسانی

امیر خسرو صنایعی وضع کرده که با خواندن آنها «لب و زبان» حرکت ندارند و یا فقط «زبان» و «لب» هر کدام جداگانه، حرکت ندارند. و با این صنعت نامه‌ها (رقعه‌ها) نوشته موجود است وی در صنعت معجزه الالسنه والشفاه اینگونه می گوید:

چون در این صنعت جدید که اختراع من است نه هیچ زبانی  
 کامران تواند شد و نه هیچ لبی کامکار به تسمیه معجزه الالسنه والشفاه

نامورش گردانیدم ورقهٔ عربی برسبیل مثال نگاشتم اگرچه در این گفتار گویندگان فصیح دهن بساز خواهند ماند اما قلمهای موشکاف را سر خاریدن فرصت نخواهد بود .... به صد دهان به صد هزار زبان بر بیان این شکر قادر نتوان شد که چنین نعمتی به کام مراد بنده نهاد جایی که بنده را بی کام و زبان و لب به سخن گفتن ممکن بود در کلام حق چه سخن ، رباعی :

جزمن که تواند این چنین گوهر سفت      کالماس به سفتن نشود با درجفت  
احسنت زهی صنعت زیبا که درو      بی کام و زبان و لب سخن بتوان گفت

صنعتی دیگر اختراع کرده به نام « اربعة الاحرف » که فقط با چهار حرف نامه‌ها و ورقه‌های خود می‌نویسد . اصولاً امیر خسرو عمداً صنایعی ابداع کرده است که دیگران از به کار بردن و وضع کردن آن عاجز هستند و می‌خواسته است که چنین باشد . دیگر اینکه در اکثر این صنایع نیش و نوش را با هم در آمیخته و معجون‌هایی مفرح و غیر مفرح ساخته است که برای دوستانش نوش و برای دشمنانش نیش دارند . هر گاه به عمق معانی و مفاهیم این صنایع برسیم ، فکر و روح نا آرام و اعتلاجوی خسرو را بهتر خواهیم شناخت .

امیر خسرو همهٔ صنایعی را که پیش از خود وضع و ابداع شده بود خواند و فهمید و در آثار خود بکار برد و پانزده صنعت بسیار عجیب اختراع کرد . اولین صنعت را که اختراع کرد « دوروبینی » یا « دوروابینی » نامید . این صنعت و صنایع دیگر را بدین جهت آورد که دیگران از آوردن آنها عاجز و ناتوان باشند چنانکه خود در صنعت دوروبینی گوید :

صنعت دوروبینی آینه‌بی است دورویه که يك طرف دروی عرب  
می‌نماید و دوم جانب عجم ، ساختن چنین آینه‌بی در حد هر طبع بتواند

بود از آن روی که اگر طبع باشد ، فضل نباشد و اگر فضل بود ، طبع نبود و اگر هرکوشد ، قدرت ترکیب لفظ عظیم دشوار است و اگر آن نیز آسان گشت ، بر آیین های نظم و نثر دست تمام باید و اگر آن نیز دست داد نیروی انگیزخت در نهایت تعذر و اگر آن هم روی نمود نگاهداشت ترتیب معنی يك وجه همه عربی و دوم جهت همه فارسی بغایت مشکل است اگر آن نیز آسان گشت قوت دوام فکرت سخت شاق و اگر آن نیز به هوش طبیعی سهل نمود هنوز آن عقبه کوه در پیش است . . . . چون استعداد هم از آن من است آن نیز ملك من بود :

امیر خسرو بازی با حروف را در غزل سرایی خویشتن وارد کرده است و با معشوق خود اینگونه صنعتگری کرده است :

ساقی بیباکه موسم عیش است و میموی می ده که لاله گون شده از باد ری وخی  
رخ بر فروز و زلف مسلل گره بزنی تا بشکنند جمال تو بازار میم و هی  
مه را به روی خوب تو نسبت کجا رسد ای رویت آفتاب و لبت شبنم و کافوری  
بطور کلی امیر خسرو ، صنایع لفظی را از آن جهت به خدمت گرفته است که از آنها در هزل و مزاح و هجو و طنز و شوخی استفاده کند و در این راه موفق شده است .

مثلاً در صنعت قلب اللسانین گوید : « این صنعت که از بالا فرود آیند  
عرصه فارسی ببینند و اگر از فرود بالا روند به عرب رسند ... به جهت آزمون  
راکب تیزی و فارسی فارسی ... هیچ کدامی را درین عرصه تنگ یارای جولان  
نیود لابد من طفل مزاج نی سوار نی قلم خویش را به کار آوردم و يك سواد دارش  
تك داد و به صنعت قلب اللسانین نشانه کرد . »

امیر خسرو در صنعت معما گوی سبقت را از همگنان ربوده است و معما را در نظم و نثر به خدمت گرفته است و چند معما اختراع کرده است ، از جمله :

« معمای مترجم ، معمای مصور ، که با اینها رقعہ‌ها و نامہ‌ها نوشته است و سنوات تاریخی و اسامی پادشاهان و حاکمان عهد خود را در آنها گنجانده است و از این لحاظ بعضی از معمیات ارزش تاریخی واجتماعی دارد .  
در اینجا تقریباً همه صنایعی را که خسرو در آثار خود به کار برده چه آنهایی را که پیش از او اختراع کرده‌اند و چه آنهایی که خود خسرو ابداع کرده است به صورت الفبایی تقدیم می‌دارم ، منتها آنهایی را که معروف و مشهور هستند فقط نام می‌بریم و آنهایی را که به تازگی معرفی می‌شوند اندکی شرح می‌دهیم :

### ۱- اتصال الحروف :

آن است که هر کلیه با همدیگر پیوسته باشد، مانند: بی بی عمه فتح کند: بی بی نیز جهد کند که پیش ملکه منعم بنشیند بر نهجی که يك نفس نشکبید که ما نیز پیش ملک کمر بسته جد بیحد میکنم .

### ۳- اربعة الاحرف :

این صنعت را چنان وضع کردم که تیغ زبان همه گویندگان را بر بست پنداری تو که پادشاهی است ضابط که همه تیغ‌ها را بیکار گرداند، در این صنعت فقط چهار حرف به خدمت گرفته است :

### ۴- اشتقاق :

یعنی تصریف : نثر : « صنعت اشتقاق باید در مضمار ضمیر مضمهر گردد اما علی رغم مشتکی مشتکی دل آن ابرش دروازی را از درون دروازه بیرون نمی باید گذاشت تا تار موی از آن موی تانارش آن تنگ چشمان نبینند : آن مرکب تنگا تنگ با تنگه تنگه است برای ناچیز رایگان از دست دادن از رای نیست . »